

بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی

غلامرضا لطیفی - عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی
ندا صفری چابک^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۱۴

چکیده:

در شهرهای سنتی، نواحی مسکونی به محله‌های مختلف تقسیم می‌شدند و افراد با علایق مشابه در محله‌های خود برای تأمین راحتی، حمایت و امنیت بیشتر گرد هم می‌آمدند. در دوران معاصر، با رواج یافتن اقدامات شهرسازی جدید، محلات تازه تأسیس شهری با بی‌توجهی به ماهیت محلات سنتی و تسلط ماشین بر انسان، مفهومی کاملاً غریب و بی‌معنا پیدا کرده‌اند و تنها در حد یک واحد تقسیمات شهری به کار گرفته می‌شوند. از طرفی با توجه به اینکه محلات شهرهای اسلامی، روزگاری محل تبلور پویایی اجتماعی و اقتصادی در حیات شهری بوده‌اند و اکنون به سبب عدم معاصر سازی کالبد و فعالیت‌های موجود، با آسیب‌های متعددی روبرو شده‌اند، نیاز به بازآفرینی مفهوم محله امری ضروری تلقی می‌گردد. به همین دلیل به کارگیری اندیشه‌های مکتب اصفهان به عنوان نماد شهرسازی بومی از یک سو و اصول نوشهرگرایی به عنوان نمادی از نظریه‌های معاصر از سویی دیگر می‌تواند در راستای اهداف توسعه پایدار، همبستگی محله‌ای گذشته را به محلات امروزی بازگردانده و در عین حال پاسخگوی نیازهای کنونی ساکنین باشد. پژوهش حاضر به دنبال معاصر سازی و بازآفرینی ارزش‌های گذشته محلات شهری در پاسخ به عدم کارایی کاربری‌ها و زیرساخت‌های توسعه‌های جدید شهری است تا بتواند به اهداف مورد نظر یعنی احیای ساختار کالبدی، تقویت هویت فضایی کالبدی و جذب ساکنین دست یابد؛ این امر بدون باززنده سازی کالبدی و عملکردی محله، محقق نخواهد شد. به همین منظور، برای بهره بردن از نتایج تحقیقات جهانی و داخلی، با روش اسنادی به جمع‌آوری اطلاعات اولیه پرداخته و از طریق مشاهده و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مؤلفه‌های مهم و اصلی تشکیل دهنده محله در شهر ایرانی اسلامی و تئوری‌های معاصر به لحاظ کالبدی شناسایی شده و در نهایت با توجه به همسو بودن اصول و قواعد، دو جریان نوشهرگرایی و مکتب اصفهان و تمایزهای اندک آنها، می‌توان به محله‌ای دست یافت که با باززنده سازی ارزش‌های گذشته، هویت ایرانی اسلامی خود را حفظ کرده و در عین حال ویژگی‌های محلات معاصر، متناسب با نیازهای ساکنین را در خود جای دهد. معیارهایی همچون پیوستگی فضایی، تنوع فضایی، سلسله مراتب و محله محوری از مواردی است که می‌تواند محله‌ای با هویت ایرانی اسلامی را به تصویر کشیده و بر پایه نوشهرگرایی مواردی مانند سرزندگی، ایمنی، حس تعلق، نظارت ناخودآگاه و امنیت نیز در محلات فراهم آورد.

واژگان کلیدی: بازآفرینی، محله، شهر ایرانی اسلامی، نوشهرگرایی، مکتب اصفهان.

۳

شماره هفتم

پاییز ۱۳۹۱

فصلنامه
علمی-پژوهشی

مطالعات
شهری

بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی

۱. مقدمه

ویژگی‌های شهر اسلامی رامی‌توان در پنج حوزه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی دسته‌بندی نمود. حوزه اجتماعی و فرهنگی، وجود تشکل‌های صنفی و اجتماعی، توجه به عرصه‌های خصوصی شهر نسبت به عرصه‌های عمومی، وحدت ساکنان شهر در محدوده محله‌ها و نحوه اداره شهر به وسیله حاکمان، خصوصیات عمده شهر اسلامی را شامل می‌شوند. بررسی علل شکل‌گیری اجتماع شهر اسلامی، الزام‌ها و محدودیت‌هایی را در حوزه سیاسی نشان می‌دهد که مانع از شکل‌گیری جامعه شهری مستقل خودفرمان و واجد خصایص و حقوق شهروندی (همانند آنچه در غرب بوده) شده است. در حوزه کالبدی نیز وجود کارکردهای گوناگون، مشخصه فیزیکی شهر را نمایان می‌کند؛ از جمله بازار، ارگ، قلعه، مسجد جامع و محله‌بندی‌های شهری. شکل فیزیکی شهرهای اسلامی از بسیاری جهات منعکس‌کننده ساختار اجتماعی آن‌هاست. محله به عنوان یک واحد اصلی، روابط اجتماعی در شهرهای اسلامی بوده که از اجزای اصلی و فرعی تشکیل شده و عوامل فضایی، فرهنگی و اقتصادی در آن دخالت داشته است. در این پژوهش به بیان ویژگی‌های محلات شهری به عنوان یکی از عناصر اصلی زندگی شهری در دوره اسلامی پرداخته و سعی بر این است تا با تلفیق خصوصیات و کارکردهای محله در معنای کهن آن با مفاهیم مدرنی مانند اصول نو شهرگرایی به مفهومی جدید از محله با اتکا به آنچه دیروز بوده و آنچه امروز باید باشد، دست یابیم. در این میان استفاده از اصول نو شهرگرایی به سبب وجود تجربیات موفق از کاربرد آن در مقیاس‌های متفاوت از خانه تا منطقه شهری در نقاط مختلف جهان می‌تواند تا حد زیادی یاریگر چنین تلاشی باشد.

۲. طرح مسئله

محله در شهر اسلامی، سکونتگاه گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و صاحبان پیشه‌هاست. در شهرهای بزرگ گاهی هر محله برای خود شهری بود، نیمه مستقل با بازارها، مساجد و سازمان اداری مشخص. بر خلاف مراکز اداری و بازرگانی و مذهبی شهر که تا حد زیادی نمودار همبستگی نظام شهری محسوب می‌شد، محلات شهر جلوه‌گاه تضادها و پراکندگی‌ها بود. از طرف دیگر همکاری و تعاون بین افراد یک محله و حمایت اجتماعی و اقتصادی آنان از همدیگر آنقدر بود که فقدان قوانین و مقررات برای تأمین امنیت اجتماعی فرد را تا حدودی جبران می‌کرد. «هم محله-ای» بودن هم نوعی ارزش به شمار می‌آمد (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۷۵). بنیادهای اجتماعی زندگی شهری در تمدن اسلامی را چهار عنصر عمده تشکیل داده، که عبارتند از: حکومت، امت، اصناف (بازار) و محلات. اجزای اصلی نظام اجتماعی شهرها با اجزای سیمای شهر رابطه نزدیک دارد: دارالحکومه؛ مرکز اداری و حکومت شهر، مساجد و مدارس؛ مرکز مذهبی، بازار؛ مرکز اصناف و محلات؛ مرکز زندگی گروه‌های اجتماعی قومی، نژادی و مذهبی بوده است (اشرف، ۱۳۵۳: ۲۴). محله به عنوان یک واحد اصلی روابط اجتماعی در شهرهای اسلامی بوده که از اجزای اصلی

و فرعی تشکیل شده و عوامل فضایی، فرهنگی و اقتصادی در آن دخالت داشته است. محلات شهرهای اسلامی که شکلی از همبستگی بر مبنای سکونت در آن بوده‌اند، اکنون به دلیل عدم بازنده‌سازی کالبد و فعالیت از رونق افتاده‌اند. این آسیب-ها سبب شده تا محلات کهن این شهرها از جمعیت اصلی خود خالی شده و جمعیت ساکن در آنها به نقاط دیگری از شهر که معمولاً بافت‌های تازه توسعه یافته شهری، آن هم با الگوهای مدرن است، جابجا شوند. این نقاط سکونتگاهی جدید در بهترین حالت، الگوهای کلاسیک تقسیمات شهری چون واحد همسایگی را مورد توجه قرار داده و بی‌اعتنا به پیشینه بلندمدت محلات ایرانی توسعه یافته‌اند. این بافت‌های جدید به سبب عدم برخورداری از مختصات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی محله به هیچ‌وجه دارای ماهیت محله‌ای نبوده‌اند. ریشه‌یابی این مشکلات سبب خواهد شد تا به بازشناسی مفهوم محله دست بزنیم و در نتیجه به این واقعیت دست یابیم که مفهوم و معنای محله در زندگی امروز، دارای ماهیت متفاوتی از گذشته می‌باشد. مفهوم بازآفرینی محله باید ماهیت جامع داشته و در ارتباط با روش‌های سکونتی امروز پاسخگو بوده و در عین حال ارتباط خود را با پیشینه تاریخی محلات شهری قطع ننماید. در این ارتباط نیز ضعف مبانی نظری و تجربیات کاربردی همواره مسئله‌ساز بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نهضت نو شهرگرایی به عنوان یک حرکت فکری بزرگ در پایان قرن ۲۰ با تلاش برای توجه مجدد به هنر ساختن مکان و برنامه‌ریزی محلات سنتی شهرها، دارای تجربیات موفق در این ارتباط می‌باشد. با بررسی اصول نو شهرگرایی و ویژگی‌های شهر ایرانی-اسلامی، به نظر می‌رسد استفاده از این اصول و بومی کردن آن می‌تواند پاسخگوی اهداف پژوهشی حاضر و تلاش برای حل مسئله مورد طرح باشد. بر این اساس، سوالات مطرح در این مقاله به شرح زیر است:

- ویژگی‌های محله در شهر اسلامی چه بوده و چه شباهت یا تمایزی با اصول شهرسازی معاصر (نو شهرگرایی) دارد؟
- چگونه می‌توان به محله‌ای دست یافت که هم اصول و ویژگی‌های اسلامی را داشته و هم متناسب با نیازهای معاصر باشد؟

۳. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

در شهرهای سنتی ایران، تقسیم محله‌ها بر اساس تفاوت‌هایی در زمینه قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی یا خاص نگاه شهری و روستایی بود (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۶). وحدت درونی محله‌ها کمتر به وحدت در سطح شهر می‌انجامید و اغلب در هنگام دفاع از شهر، نوعی وحدت بین محله‌های شهر ایجاد می‌شد. در شهرهای اسلامی، الگوهای ارتباطی معینی وجود داشت که افراد را در جماعت‌های شهری به یکدیگر پیوند می‌دادند. این جماعت-ها یا انجمن‌های برادری به شکل گروه‌های همسایه و اخوت-هایی مانند زوار و فرقه‌های صوفی و مکاتب فقهی شکل می‌گرفتند. این اخوت‌ها سبب پیوند شهر با نواحی دور افتاده شده و به پیوند مناطق نیز کمک می‌کرد (ترنر، ۱۳۷۹: ۱۷۸). حتی در

دوره صفویه که اکثر مردم ایران به تشیع گرویدند، تقسیم اهالی محله‌های شهری به دو گروه حیدری‌ها و نعمتی‌ها همان نقش تعدد مذهب‌ها را ایفا می‌کرد (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۷۸). در شهر سنتی، هر محله دارای مرکزی بوده که بنا بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنان شکل می‌گرفته است. مراکز محله علاوه بر تأکید بر عدالت و برابری در دستیابی به خدمات، سبب ایجاد حس تعلق به مکان و پایداری اجتماعی می‌شوند. با حضور مردم و ریش سفیدان محل در مرکز محله، چارچوب‌های اخلاقی خاص هر محله شکل می‌گیرد و بر حس جمع‌گرایی تأکید می‌گردد (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۴). در دوران معاصر، وضعیت محلات شهری به شدت دگرگون شده است. ورود به دنیای مدرن و رواج یافتن اقدامات شهرسازی جدید، سبب شده تا محلات تازه تأسیس شهری، واحدهای خدماتی خود را در لبه محله و در کنار خیابان‌های تازه احداث شده مستقر نمایند و از این پس خدمات به جای درون محله، در حاشیه محله ارائه شوند. اقداماتی چون تخریب محلات کهن شهری به تبعیت از اصول جنبش شهرسازی مدرن انجام شد. بی‌توجهی به پیشینه و ماهیت محلات سنتی ایران و غلبه عوامل مادی بر عوامل معنوی طراحی و همچنین غلبه ماشین بر انسان در طراحی‌ها سبب شده تا در فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی و توسعه این شهرها مفهوم محله، مفهومی کاملاً غریب و بی‌معنا باشد و تنها در حد یک واحد تقسیمات شهری به کار گرفته شود. از یک سو دارا بودن ویژگی‌های محلات شهر ایرانی-اسلامی (مانند عدالت اجتماعی، حس تعلق، جمع‌گرایی و...) که کمتر در محلات امروزی مشاهده می‌شود، می‌تواند در راستای اهداف توسعه پایدار، هویت و همبستگی محله‌ای را به محلات امروزی بازگرداند و از سوی دیگر ایجاد محلاتی براساس اصول نوشهرگرایی (مانند توسعه فشرده، کاربری مختلط، قابلیت پیاده‌مداری و حمل‌ونقل متنوع و...) قادر خواهد بود که هم به حفظ اصول محلات سنتی یاری رساند و هم محله‌ای پایدار متناسب با نیازهای امروزی ساکنان خود را ایجاد نماید تا در نهایت بتواند به هدف اصلی پژوهش یعنی بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای تاریخی ایران دست یافته و در این راستا اهداف خردتر از جمله تقویت وحدت و انسجام در محله، جذب ساکنین با تقویت و احیای مفهوم محله در بافت و تقویت هویت فضایی-کالبدی در محله نیز محقق گردد.

۴. روش تحقیق

در پژوهش مورد مطالعه با توجه به اینکه تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد، ابتدا با استناد به منابع موجود، اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی به طور خاص در مقیاس محله از مکتب اصفهان استخراج شده و با روش تحلیلی جمع‌بندی می‌شود، سپس اصول مربوط به تئوری‌های معاصر (تئوری نوشهرگرایی)، تدوین شده و در پایان با استفاده از روش تحلیلی-مقایسه‌ای، این اصول تطبیق داده شده و معیارها حاصل می‌گردد. استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده و بررسی‌های میدانی محلات تاریخی موجود از جمله روش‌های مورد استفاده در این پژوهش می‌باشد.

۵. مفاهیم و دیدگاه‌ها

۵.۱. شهراسلامی

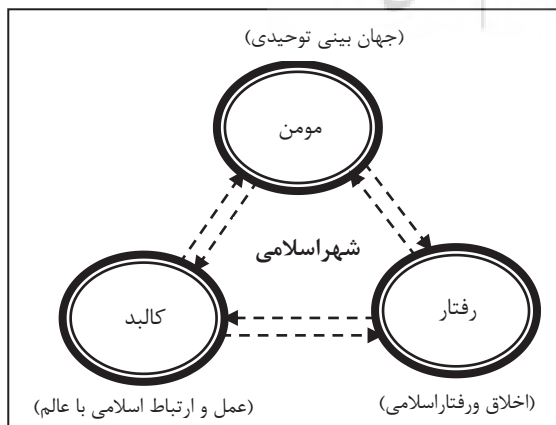
شهر اسلامی، قبل از هر چیز يك قلعه ایمان است و از نظر سیاسی و قانون، تابع مقرراتی است که ناشی از شریعت‌اند و از این رو نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی و اقتصادی حکومت‌های مستقر در آن اولویت دارد. از نظر کالبدی، شهر شامل مجموعه‌ای از خانه‌هاست که نمای بیرونی آنها شکل و فضای داخلی یا اهمیت آنها را نشان نمی‌دهد. خیابان‌ها تنگ و تاریک است. این خیابان‌ها تا جلوی ورودی خانه‌ها ادامه می‌یابد ولی هیچ تصویری از ماهیت یا ابعاد محله به دست نمی‌دهد (بنه ولو، ۱۳۶۹: ۱۰). برای ظهور شهر اسلامی، انطباق و همپوشانی سه فضا یا عنصر ضرورت دارد که عبارتند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی (کالبدی). نمودار (۱-۱).

فضای فکری: در حقیقت شهراسلامی فقط کالبد نیست بلکه انسان (مومن) اصلی‌ترین نقش را به عهده دارد و فضای فکری یا به عبارتی جهان‌بینی توحیدی و ایمان، مهمترین عامل تعریف کننده شهراسلامی است.

فضای عمل و رفتار: مطابق دستوراتی که از تعالیم اسلامی استنباط می‌شود، عمل و رفتار مسلمانان شکل می‌گیرد. از جمله رفتارهای اهل شهر: عدالت، امنیت، رعایت حقوق شهروندان، تعاون و مشارکت.

فضای عینی (کالبدی): کالبد این شهرها با احداث مسجدجامع رنگ و بوی اسلامی به خود گرفت و پس از آن بناهای دیگری مانند مدرسه، پل و کاروانسرا نیز به عنوان عناصر اصلی سازنده شهر در دوره‌های بعد ساختار شهر اسلامی را بنا نهاد (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۴۴).

امس راپاپورت شهرهای اسلامی را مجموعه‌ای از محلات همگن و هم‌نواخت می‌داند که ساکنان آنها به وسیله زبان، مذهب، شغل، خانواده یا سابقه زندگی مشترک، مرز خود را مشخص کرده‌اند. او ساختار محله‌ای شهر اسلامی را این‌طور تصور نموده است: "هر محله یک شهر کوچک با تمام خدمات مثل مسجد، حمام، نانوا، بازارچه و بازار بوده و عناصر و سازمان یافتگی مشابه کل شهر، داشته است (شیخی، ۱۳۸۲: ۴۱). برای یافتن سرچشمه



نمودار ۱- رابطه ۳ عنصر اصلی تعریف کننده شهراسلامی

ماخذ: نقی زاده، ۷۸۳۱: الف ۶۴

اسلامی، باید به باطن دین اسلام که در طریقت مستقر بوده و حقیقت آن را روشن ساخته است، رجوع کرد. این وجه درونی به نحو انفکاک‌ناپذیری با معنویت اسلامی پیوند دارد (نصر، ۱۳۸۳: ۱۲). به نظر نجم‌الدین بemat شهراسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل اجتماعی، که بر پایه ایده‌آل‌های اسلامی، فرم‌های ارتباطی و عناصر تزئینی، خود را نیز در آن وارد کرده است. اما فراتر از آن، اصل دیگری بر جامعه مسلمانان حاکم است و آن محدود نبودن به زمان و نداشتن جغرافیای خاص است که مفهوم امت اسلامی آن را تعریف می‌کند. شهر اسلامی متأثر از شهروندان مسلمانش، هویتی مستقل پیدا می‌کند. در شهر اسلامی، فرم (هویت کالبدی) به تبع معنا (هویت محتوایی) تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوا اخذ می‌کند و این متأثر از بنیان‌های نظری هنر و معماری اسلامی است (بemat، ۱۳۶۹: ۱۱).

۵.۲. مفهوم محله و ویژگی‌های آن از ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در ایران

محله به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی-اقتصادی جامعه، از انسجام و همگنی خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر یک شکل اجتماعی است که عناصر اصلی تشکیل دهنده آن عبارتند از: خانه‌های مسکونی، مسجد، میدان و میدانچه، بازار و بازارچه، گذر و کوچه. واحدهای محله‌ای به دلیل اندازه خود می‌توانند موجبات مشارکت در شکل دادن به محیط خود را فراهم آورند و مرکز محله، حس مکان و مرکزیت را تقویت کنند. تعریفی که لینچ از محله دارد، عبارت است از: "محله قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یکدست و مشابه باشد و ناظر عملاً بتواند به آن وارد شود" (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۸۹). در ارتباط با ممالک اسلامی، گفته می‌شود که "شهر معمولاً شامل چند محله بوده و هر محله برج‌وار و دروازه‌های مخصوص به خود داشت. هر یک از محله‌ها، نام بخصوصی داشت که به نام افراد سرشناس که در آن محله سکونت داشتند، نامگذاری می‌شد. مانند کوچه سرچس (پزشکان مسیحی) در بغداد، کوچه ترسایان در طوس و دروازه رودبار در طوس (نصر، ۱۳۸۳: ۱۳۲)؛ اگرچه در بدو تشکیل دولت اسلامی ایجاد هر گونه قشربندی اجتماعی بر مبنای قوم، نژاد، سنت و... نفی می‌گردد. به هنگام تشکیل امپراطوری متمرکز و سپس غیرمتمرکز اسلامی، رجوع به سازمان اجتماعی کهن شهری در سرزمین‌های مفتوحه به سرعت انجام می‌پذیرد. گویا اینکه دیگر از تشکیل محلات بر حسب نظام کاستی یا شهروندی خبری نیست ولی در مقابل، با ایجاد محلاتی بر حسب قوم و قبیله، نژاد، مذهب، زبان، فرقه و... مواجه هستیم. وجود محلات در تضاد و تقابل از خصیصه‌های بارز شهر دوران اسلامی است (حبیبی، ۱۳۸۳: ۴۸). هر یک از محله‌ها در مجموع محل سکناى ترکیبی از قشرهای گوناگون اجتماعی بوده و در نتیجه خانه‌های کوچک و متوسط و بزرگ در کنار یکدیگر قرار داشتند.

۶. چارچوب نظری

به منظور رسیدن به تصویری کم‌وبیش روشن از اصول و قواعد شهرسازی ایرانی-اسلامی در محلات، دو مکتب به عنوان چارچوب

اصلی تحقیق مدنظر قرار گرفته، از یک سو مکتب شهرسازی اصفهان به عنوان نمادی از شهرسازی بومی معرفی گردیده و از سوی دیگر جنبش نوشهرگرایی به مثابه نمادی از نظریه‌های معاصر، بازخوانی شده است.

۶.۱. مکتب اصفهان

تشکیل دولت صفوی در قرن دهم هجری (۱۷ میلادی) سبب می‌گردد تا حیات عقلی شیعی به اوج خود رسد و این هویت و شخصیت را به عنوان خمیرمایه فرهنگی همه شئون زندگی پس از خود قرار دهد و زمینه را برای شکفتن آرای حکمی اشراقی، فلسفی و عملی مهیا سازد (حبیبی، ۱۳۸۳: ۹۵). بارزترین ترکیب کلامی مکتب اصفهان در مجموعه‌های کالبدی-فضایی به کار گرفته می‌شود و در پی تحقق بخشیدن به آن اصول و قواعدی را مدنظر قرار می‌دهد که در جدول (۱) قابل مشاهده است.

۶.۲. نوشهرگرایی و اصول آن در طراحی محلات پایدار

آنچه امروزه با اسامی نوشهرگرایی، شهرگرایی نوین، شهرگرایی جدید و... نامیده می‌شود، حاصل چاره‌اندیشی شهرسازان معاصر آمریکایی در اواخر دهه ۱۹۸۰ برای غلبه بر رشد پراکنده و پاشیدگی شهرهای آمریکا می‌باشد. نوشهرگرایی، واکنشی نسبت به پراکندگی شهری است و یک راه مؤثر برای مقابله با جوامع وابسته به اتومبیل است که در آن هر سفری با ماشین انجام می‌شود. نوشهرگرایی با تأکید بر خصوصیات کالبدی سنتی در پی رسیدن به درس‌هایی از شهرگرایی سنتی برای یافتن راه‌حلی در پاسخ به دغدغه‌های منطقه‌ای و شهری معاصر است (zyberk, 2010: 96).

(and Donnelly)

محله، ناحیه و محوره‌های شهری، عرصه مورد مطالعه نوشهرگراهاست. در تعریف آنها، محله‌ها، زیرتقسیماتی از شهرند که ترکیبی متعادل از فعالیت‌ها را در خود جای می‌دهند؛ در حالی که ناحیه‌های شهری، فعالیت‌های خاص و تخصصی را تأمین می‌کنند. محورها نیز اتصال دهنده محله‌ها و ناحیه‌ها بوده و دسترسی آنها را تأمین می‌کنند (Hikichi, 2003: 146). یک نظریه مهم در این راستا عبارت است از: "توسعه واحدهای همسایگی سنتی" که نخستین بار به وسیله آندره دوانی و الیزابت پلاتر زیبرک مطرح شد. آنها به محله‌هایی فشرده با کاربری مختلط و اولویت عابر پیاده و مناطقی با موقعیت مناسب و کریدورهای کارکردی و زیبا که می‌توانند محیط‌های طبیعی و انسان ساخت را در قالب کلیتی پایدار و ماندنی انسجام بخشند، معتقدند. نوشهرگرایی معتقد است که بازگشت به الگوی محلات سنتی برای ایجاد جوامع پایدار و کارا لازم است و توسعه سنتی محلات در کانون توجه آن قرار دارد؛ اگرچه در زمینه توسعه‌های مسکونی جدید به وجود آمده ولی همواره بر توسعه‌های درون بافت و اصلاح بافت‌های موجود تأکید کرده است و مخالف گسترش بیش از حد و اندازه شهر و در نتیجه هدر رفتن زمین می‌باشد (APA, 2000: 15). در همین راستا طرفداران جنبش نوشهرگرایی، اصولی را به منظور اصلاح بافت‌های موجود در نظر گرفته‌اند که به روشنی اهداف مطرح شده در منشور نوشهرگرایی را عملی می‌سازد. بر این اساس واحد

جدول ۱- اصول و قواعد دستوری مکتب اصفهان

اصول و قواعد	تعریف و تبیین
سلسله مراتب	بر مبنای این اصل هیچ فضای شهری، بنا یا معماری را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین‌تر آن ایجاد کرد.
وحدت و کثرت	اصل کثرت: فضای شهری روی به کثرت دارد و تنوع، در این کثیر شدن و گوناگونی، اصل وحدت: فضای شهری در انقباض خود و در مجموعه همبسته‌اش روی به وحدت دارد.
تمرکز	متمرکز شدن فضای شهری، اعتباری خاص بدان می‌بخشد و آن را از دیگر فضاها متمایز می‌کند.
عدم تمرکز	توزیع متوازن فضاها، شهری، علت اصلی یگانگی مفهوم شهر و فضاها می‌شود.
تباين	ناهمگونی عناصر و فضاها، شهری و در عین حال آهنگین بودن آن در ارتباط با دیگر عناصر.
تجمع	جمع شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه بدان مکان می‌بخشد.
اتصال	هر فضای شهری در پی وصل به دیگر فضاهاست.
تناسب	نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و بناها، نسبت فضاها، انباشته و فضاها، تهی.
تداوم	فضای شهری چون نسیمی از میان فضاها می‌گذرد، از این به آن می‌شود و در این شدن، نه این است و نه آن. این «شدن» اصلی را مطرح می‌کند که تداوم نامیده می‌شود.
قلمرو	قلمرو مکانی می‌شود که در آن خودی و بیگانه تعریف می‌شوند، حرمت نگاهداشته می‌شود و عبور از آن جز با اجازه میسر نخواهد بود.
سادگی	خلوص و صراحت فضای شهری، مکان درک سریع آن را فراهم می‌آورد. بی‌پیرایگی فضای شهر، آشنایی با آن را ممکن می‌سازد.
پیچیدگی	کاربرد غیر معمول واژه و فضا به منظور شاخص کردن آن از اصل پیچیدگی تبعیت می‌کند.
ترکیب	ترکیب اعداد می‌تواند فضایی متفاوت از آنچه معمول است را سبب شود.
استقرار	اصل استقرار در مفهوم ساخت کلام با شهر معنا می‌یابد. در این مفهوم، ساخت یعنی مجموعه روابط متقابل اجزای یک کل با یکدیگر به گونه‌ای که هر واحد، بیشترین نقش را در برابر دیگر اجزا دارد.
توازن	شهر در موزونی فضاها و روابط فضایی اشکال و فعالیت‌ها تعریف می‌شود.
ایجاز	فضای شهری از اسلوبی تبعیت می‌کند که گسترده‌ترین مفهوم را در ساده‌ترین صورت بیان کند.
زمان	بنا و فضای شهری تعریف خود را در متن شهر می‌یابد؛ معنایی که در بیان مقید به زمان می‌شود. آنچه در زمان دچار دگرگونی می‌شود، صورت است و نه محتوا.

مأخذ: (حبیبی، ۳۸۳۱: ۶۶۱) با تلخیص و تصرف

همسایگی آرمانی باید شامل موارد زیر باشد:

- اندازه‌ای بهینه برابر ۰/۷ کیلومتر فاصله از مرکز.
- ترکیبی متعادل که شامل فعالیت‌ها، زندگی، خرید، کار، رفتن به مدرسه، عبادت و تفریح باشد.
- شبکه‌ای از خیابان‌های به یکدیگر مرتبط که مکان ساختمان‌ها و ترافیک را ساماندهی می‌کند.
- اولویت دهی به فضاهای عمومی و جای‌گیری مناسب ساختمان‌های شهری.
- محله، بخشی از ساختار شهر و به عنوان جزئی از کلیت شهر محسوب می‌گردد.
- محله، مکانی است با ویژگی‌های خاص اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی که معمولاً از بار هویتی برخوردار است و توسط ساکنانش به عنوان یک «مکان» قابل تشخیص است. هر محله مرکز و لبه‌ای مشخص دارد.
- اولویت حرکت در محله با پیاده و دوچرخه بوده و تراکم ترافیک

داخل محله آرام و ترافیک عبوری خارج از آن قرار می‌گیرد.

- ساختار محله بر پایه منافع مشترک عمومی استوار است و ساکنانش خود را در قبال محله خویش مسئول می‌دانند (عینی فر، ۱۳۸۶: ۷).

۶.۲.۱. مزایا و موانع نوشهرگرایی

نوشهرگرایی می‌تواند مزایا و موانعی را از جنبه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی برای جامعه فراهم کند که در زیر به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:

- مزایا

گزینه‌های مسکونی و تجاری بیشتر برای مصرف‌کنندگان، حمل‌ونقل پیشرفته و دسترسی برای پیاده‌ها، افزایش مسکن ارزان قیمت (توسعه بهینه مکان)، کاهش وابستگی به استفاده از اتومبیل، صرفه‌جویی در هزینه‌های مصرف‌کنندگان، کاهش سفرهای ماشینی که این امر موجب منافع اجتماعی می‌شود (مانند کاهش تراکم ترافیک، هزینه‌های پارکینگ، خطر تصادف،

آلودگی و رشد بی‌رویه شهر)، بهبود قابلیت زندگی در جوامع، تعامل و پیوستگی، افزایش ایمنی ترافیک به علت خیابان‌های عریض‌تر و ترافیک آرام‌تر، بهبود سلامت عمومی به علت افزایش پیاده‌روی و دوچرخه سواری (Barton, 2005: 84).

- موانع

اگرچه امروزه نوسهنگرایی موضوعی بسیار مهم و قابل توجه محسوب می‌شود ولی همواره با انتقادهایی نیز مواجه بوده که در زیر به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:

ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای جدید خانواده‌های وابسته به اتومبیل، کاهش آزادی‌های شخصی به علت وضع قوانین زیاد، بی‌عدالتی نسبت به گروه‌های اقلیت و کم‌درآمد جامعه به علت قیمت‌های بالای مسکن در محلات سنتی، تجمع ترافیک و آلودگی هوا به علت افزایش تراکم (Hikichi, 2003: 158).

۷. مقایسه مفهوم محلات سنتی در منشور نوسهنگرایی و مکتب اصفهان

بی‌شک برخی از اصول نهضت نوسهنگرایی، زاده نیازها و

پیشرفت‌های فناوری جامعه امروز بوده و نمی‌توان از آن در شهرهای قدیمی نشانی یافت. نوسهنگرایی به عنوان یکی از مهمترین نهضت‌های شهرسازی قرن اخیر می‌کوشد تا از طریق روش‌های سنتی برنامه‌ریزی و طراحی شهرها، محیطی پایدار و متنوع خلق نماید. البته لازم به یادآوری است که استفاده از اصول نوسهنگرایی در احیای محلات ایرانی به معنای استفاده مو به مو از این اصول نمی‌باشد بلکه بازیابی الگوها و هویت محلات سنتی ایران با ابزارهای جدید طراحی شهری است که نوسهنگرایی در اختیار ما قرار می‌دهد، مدنظر می‌باشد.

۸. معیارهای پیشنهادی در طراحی محلات ایرانی-اسلامی بر پایه اصول نوسهنگرایی

بر اساس مفاهیم برداشت شده از مکاتب و اندیشه‌های فوق، معیارهایی حاصل می‌گردد که با استفاده از آنها می‌توان به محله‌ای دست یافت که هم اصول و ویژگی‌های اسلامی را داشته و هم متناسب با نیازهای معاصر باشد. این معیارها عبارتند از:

جدول ۲- مقایسه مفهوم محلات سنتی منشور نوسهنگرایی و مکتب اصفهان

مکتب اصفهان	منشور نوسهنگرایی
- فضاهای عمومی و مراکز محلات شامل حسینیه یا میدان مکانی برای بروز تظاهرات اجتماعی و صحنه تعاملات مردم	- سرزندگی و محبوبیت در میادین و خیابان‌ها - ارتباط متقابل عرصه خصوصی و عرصه جمعی
- هر محله به صورت یک سلول مستقل و دارای مرکز - شکل‌گیری ارگانیک بافت‌های قدیمی شهرهای ایران با توجه به تفاوت‌های اقلیمی، ویژگی‌های فرهنگی و الزامات امنیتی	- یکپارچگی با محیط کالبدی پیرامون - کشف و احیای اصول بر مبنای سنت‌های ملی منطقه - انسجام و هماهنگی عناصر کالبدی
- تأثیر مطلوب ویژگی‌های ارتباط فضایی در محلات بر ارتباطات اجتماعی - شناخت ساکنین محله از یکدیگر و حمایت از اجتماعات محلی	- فضاهای شهری ایمن، منظم و قابل کنترل - جذب مردم به داخل شهر با ادراک محیط ایمن - خیابان‌های محلی متعلق به ساکنین محله
- وجود محلاتی با قابلیت بالای پیاده‌روی - کیفیت سکونت زندگی اجتماعی و توجه به مکان‌های مکث (همچون میدان، ساباط، گذر و...) برای تعاملات ساکنین	- مراقبت از عابرین پیاده - خیابان‌ها خوشایند و مناسب رانندگی در عین حال فضاهایی دلپذیر برای پیاده‌روی و دوچرخه سواری
- ارتباط‌پذیری در شهرهای ایران به وسیله گذرهای اصلی بازارها و فضاهای ارتباط دهنده مانند میدان، تکیه، حسینیه و حیاط مسجد جامع - تمرکز کاربری‌ها در محلات مسکونی و رفع نیازها	- طراحی خیابان‌های مسکونی ایمن - آرام‌سازی آمدوشد - نظارت ناخودآگاه - کاربری‌های مختلط مسکونی
- وفاداری به اقلیم، تاریخ، مقیاس انسانی و احترام به متن، مهمترین معیارهای شکل دهنده معماری و فضاهای شهری بافت‌های قدیمی	- تجلی فرهنگ بومی و هویت در معماری و طراحی - آگاهی و احترام به بافت تاریخی محله - شناخت مشخصه‌های بارز محلی
- توجه به هویت بناها و فضاهای عمومی	- ساختن بناهای عمومی با ادبیات معماری کلاسیک و ساختمان‌های خصوصی به شکل بومی
- استفاده از روش طبیعی برای گرمایش و سرمایش - ایجاد سایه با استفاده از حیاط مرکزی، کوچه باریک و ساباط	- دسترسی به نور و هوای طبیعی در بناها - ساختمان انسان‌مدار و سازگار با محیط طبیعی

تلخیص: پژوهشگران

۸.۱. محله محوری

مهمترین ویژگی یک محله، داشتن مرکز است. محله به هر شکلی که باشد، دارای یک نقطه مرکزی به نام مرکز است که فاصله اش از همه قسمت های محله فاصله ای معقول است. از دیگر ویژگی های محلات عبارتند از:

- پیاده‌مداری

برگسترش مسیرهای پیاده و دوچرخه به ویژه در مقیاس محله تأکید می‌شود که این موضوع به طور خاص در بافت های تاریخی محلات از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در واقع تقویت پیاده‌مداری از اصول اساسی نوسازگری است که در شهرهای ایرانی-اسلامی هم با ایجاد مسیرهای سرپوشیده (ساباط) بر این امر تأکید می‌شود که بدین وسیله آسایش اقلیمی را برای عابر پیاده فراهم می‌آورد. ویژگی دیگر پیاده‌مدار بودن، قرارگیری بیشتر کاربری‌ها در فاصله پیاده قابل دسترس و نزدیک از خانه و محل کار است که با تعریف مراکز محله فعال و مکانیابی مناسب کاربری های مورد نیاز در آن می‌توان به این اصل نزدیکتر شد.

- کاربری مختلط

از دیگر ویژگی های محله، وجود قطعاتی با کاربری مختلط است، به گونه ای که در طبقه همکف خود دارای کاربری تجاری و در طبقات بالاتر مسکونی اند. لازم به یادآوری است که امروزه این ویژگی رو به زوال نهاده و ساکنین برای تأمین نیازها مجبورند به حاشیه خیابان های پیرامون محله مراجعه کنند که این امر، هم موجب گسترش حرکت های سواره درون محله می‌گردد و هم ایمنی و آسایش محلهای را تهدید می‌کند. به همین سبب وجود کاربری هایی متنوع در نقاط قابل دسترس برای ساکنین می‌تواند ساکنین را از تأمین نیازهای روزانه خود بی‌نیاز کند.

۸.۲. اصل سلسله مراتب

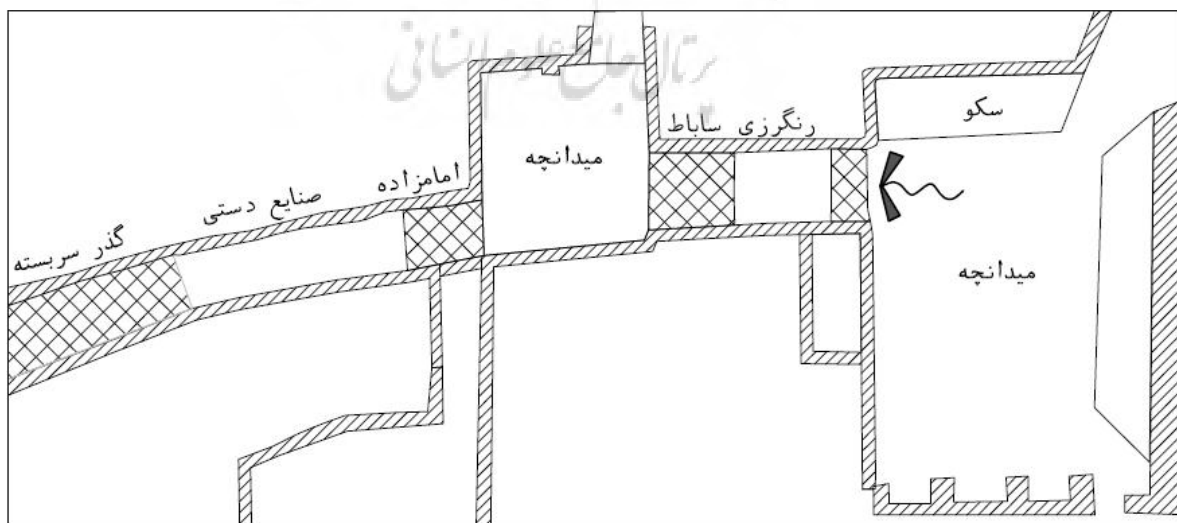
در شهرهای گذشته ما سلسله مراتب به صورت پیوسته در کلیه مقیاس ها از استخوان بندی شهر تا ترکیبات معماری مورد توجه بوده است. اصل سلسله مراتب، نقش بسیار مهمی در تعریف اجزا و کل یک مجموعه ایفا می‌نماید و به آنها هویت می‌بخشد.



تصویر ۱- سلسله مراتب فضاها

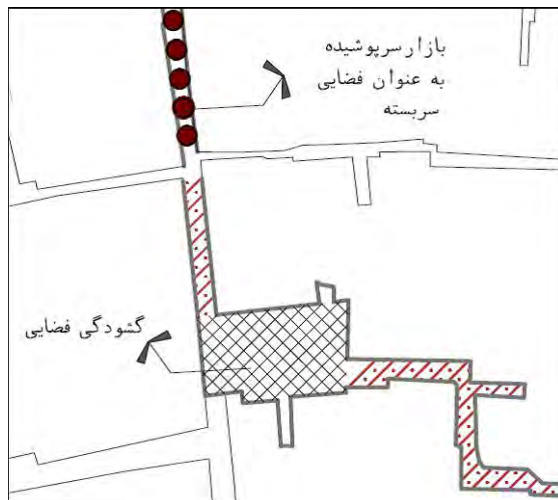
ماخذ: پژوهشگران

یکی از مهمترین تجلیات کالبدی، رعایت سلسله مراتب در ابنیه معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی یعنی بروز و تقویت درونگرایی به عنوان یکی از ویژگی های بارز این شهرها بوده است؛ به ویژه در مورد مسکن، مسجد، مدرسه و امروزه به عنوان یکی از اصول اصلی معماری و شهرسازی اسلامی مطرح می‌باشد. به عبارت دیگر درونگرایی موجود در شهرها و بناها یکی از اثرات اعمال سلسله مراتب مورد نظر در قلمروهای مختلف حیات فردی و جمعی بوده است؛ به گونه ای دیگری می‌توان گفت که حفظ و اعمال ارزش هایی مانند حریمیت، آرامش، امنیت، خلوت، حیا، سادگی، تنظیم شرایط محیطی و توجه به درون، بیشتر از بیرون سبب شد تا یک نوع سلسله مراتب قوی، روشن و منحصر به فرد در شهرهای اسلامی به وجود آید.



تصویر ۲- قرارگیری نشانه ها و عناصر محله، عاملی در جهت تقویت پیوستگی فضایی

تلخیص: پژوهشگران



تصویر ۴- پهن و باریک شدن فضا
ماخذ: پژوهشگران



تصویر ۳- مرکز محله، به عنوان نقطه ای کانونی
تلخیص: پژوهشگران

۸.۵. وحدت و تنوع فضایی

از عوامل اصلی ایجاد کننده تنوع فضایی در بافت می‌توان به تباین فضایی اشاره نمود. پهن و باریک شدن فضاها، وجود گشودگی‌های فضایی در میان راه‌ها و سر باز و بسته بودن راه‌ها نمونه‌هایی از آن می‌باشد. از دیگر موارد می‌توان به مستقیم نبودن معابر از ابتدا تا انتها، وجود میدانچه و گشودگی‌های فضایی در تقاطع گذرهای اصلی و عقب‌نشینی فضای ورودی خانه‌ها از لبه کوچه‌ها اشاره نمود. اما آنچه قابل توجه است رکود این فضاها در محلات کنونی می‌باشد. (تصویر ۴)

۹. نتیجه‌گیری

امروزه در گفتگوهای روزمره وقتی سخن از محله به زبان می‌آوریم، مفهومی بدیهی و بی‌نیاز از تعریف و تفسیر را در ذهنمان جای می‌دهیم. اما اگر در همان لحظه از خودمان بپرسیم محله چیست، به سادگی قادر به تعریف محله نخواهیم بود و اصطلاح محله را بدون اطلاع از مفهوم واقعی و پیشینه بلند تاریخی آن به کار می‌بریم. اگرچه بازگشت به سازمان کهن محله‌های شهری به سادگی عملی نیست، با این حال بازآفرینی مفهوم محله با اتکا به ضرورت‌ها و نیازهای زمانه و جایگاه کهن فرهنگی و تاریخی محلات، می‌تواند از یک سو سبب حفظ نظام اجتماعی و اقتصادی محلات تاریخی شهری و به دنبال آن جلوگیری از نابودی ساختار کالبدی آنها شود و از سوی دیگر شکل‌گیری مفهوم محله در بافت‌های توسعه یافته شهری را سبب گردد. یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که میان انگاره‌های مکتب اصفهان و اصول و قواعد نظریه‌های معاصر شهرسازی به ویژه نوشهرگرایی، تمایزهای اندک و شباهت‌های بیشماری وجود دارد و همسو بودن این دو جریان را یادآور می‌شود. این تشابهات منجر به استخراج اصولی شد که از یک سو خصوصیات شهرسازی بومی را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر نگاه به بیرون داشته و ویژگی‌های مکاتب معاصر را بیان می‌کند و می‌توان به محله‌ای دست یافت که با باززنده‌سازی ارزش‌های گذشته، هویت ایرانی-اسلامی خود را حفظ کرده و

۸.۳. پیوستگی فضایی

پیوستگی فضایی به این معناست که واحدها و فضاها کالبدی به صورت متصل و پیوسته کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و در مجموع بافتی پیوسته و منسجم پدید آمده است که این اصل را می‌توان به وسیله قرارگیری مراکز بر سر تقاطع چند گذر فرعی یا اصلی، ترکیب میدان‌ها با عناصر فعال مانند بازار، مسجد جامع و مراکز محلات، ارتباط قوی مسجد جامع با سایر عناصر مرکز شهر و ایجاد ترکیبی متناس از نظر کالبدی و فضایی میان مجموعه شهر، محلات و مراکز آنها عینیت بخشید.

۸.۴. بازتاب اصل روابط اجتماعی در محله

در رابطه با انعکاس اصل ایجاد روابط اجتماعی، دو موضوع عمده شهرسازی، یعنی منطقه‌بندی شهری و کاربری زمین‌های شهری مطرح می‌باشد. منطقه‌بندی باید با اقداماتی صورت گیرد که از طریق نزدیک کردن افراد جامعه به یکدیگر، منجر به یکپارچگی اجتماعی شود؛ همانطور که پیامبر در منطقه‌بندی توجه خاص خود را به وحدت متمرکز نموده و به تمامیت محل سکونت مسلمانان اهمیت می‌دادند تا تقسیمات کوچکتر آن. تقسیمات اصلی را براساس قبایلی که پیشینه نژادی مختلف اما همگن داشتند، تعیین نموده و قانونی برای سازماندهی داخلی یا تقسیم‌بندی‌های فرعی وضع نمی‌کردند تا براساس نیازهای ساکنین شکل گیرد. از طرفی یکپارچگی اجتماعی تعیین کننده الگوی کاربری زمین‌های شهری بوده و هر یک از اعضای جامعه می‌توانست استفاده یکسان از فضاها عمومی و امکانات تجاری و مذهبی نماید. نمونه‌ای از الگوی کاربری زمین در شهر اسلامی به شرح زیر است که به طور واضح، اصول نوشهرگرایی را یادآور می‌شود: از جمله تأکید بر سطوح دسترسی یکسان به کالاهای مورد نیاز، شیوه کاربری چندگانه زمین، قرارگیری بازارها در مرکز شهر و نفوذ مغازه‌ها و بازارهای کوچکتر به داخل نواحی مسکونی، شکل متراکم مناطق مسکونی با منازل به هم پیوسته و یا نزدیک و بلوک‌های کوچک (مرتضی، ۱۳۸۹: ۱۴). (تصویر ۳)

جدول ۳- شاخص‌ها و معیارهای پیشنهادی در طراحی محلات ایرانی- اسلامی برپایه اصول نوشهرگرایی

شاخص‌ها	معیارها
پیوستگی فضایی	- پیوند فضایی میان عناصر اصلی مجموعه - داشتن مراکز و قرارگیری آنها بر سر تقاطع چند گذر فرعی یا اصلی - ترکیب و امتزاج میدان‌ها با عناصر فعال مانند بازار، مسجد جامع و مراکز محلات - ارتباط قوی مسجد جامع با سایر عناصر مرکز شهر - نقش عمده گذرهای اصلی و نقش آن در پیوند دادن محلات و مناطق شهری
وحدت و تنوع فضایی	- تباین فضایی با پهن و باریک شدن فضا، سرباز و بسته بودن آن، تغییر مقیاس - وجود رواق‌ها و سایبان‌ها - مستقیم نبودن معابر از ابتدا تا انتها
سلسله مراتب	- سلسله مراتب دسترسی و کاهش دسترسی از پخش کننده محلی تا دسترسی به واحد مسکونی - رعایت حریم برای ساختمان‌های مسکونی - درونگرایی و سادگی در ابنیه‌ای چون مسکن، مدرسه و ... - قرارگیری کاربری عمومی در کنار استخوان بندی اصلی و لبه‌ها و قرارگیری کاربری مسکونی در لایه‌های میانی بافت - رعایت حریم با سلسله مراتب فضاها از فضاهای عمومی تا خصوصی - رعایت حریم با استفاده از عناصری چون گذرهای سرپوشیده، طاق‌ها و ...
تأکید بر روابط اجتماعی	- وجود فضاهایی که ارتباط اجتماعی و تماس‌های مردم با یکدیگر در آنها رخ دهد - امکان استفاده یکسان افراد جامعه از فضاهای عمومی و امکانات تجاری و مذهبی - شیوه کاربری چندگانه زمین (مغازه‌ها در طبقه همکف و واحدهای مسکونی در طبقات بالاتر) - قرارگیری بازارها در مرکز شهر و نفوذ مغازه‌ها و بازارهای کوچکتر به نواحی مسکونی - احاطه شدن مسجد در مرکز شهر با مغازه‌ها - شکل متراکم مناطق مسکونی با منازل به هم پیوسته و بلوک‌های کوچک
اهمیت دادن به مفهوم محله	- دارا بودن مرکز محله و قرارگیری آن در مسیر تقاطع دو یا چند گذر اصلی - فاصله معقول مرکز محله از همه نقاط محله - مرکز محله شامل مسجد، بازارچه، میدانچه، تکیه و عناصر دیگری در مقیاس محلات مانند گرمابه، آب انبار، قهوه خانه و ... و وجود پاتوق در محلات - در برگیری مراکز محله با اماکن عمومی و قرارگیری سطوح مسکونی خانواده‌ها با حجم‌های پیوسته گرداگرد آنها - قرارگیری خانه‌های کوچک و متوسط و بزرگ در کنار یکدیگر - قرارگیری خانه‌های بزرگی مانند فضاهای شهری از قبیل مساجد در کنار دانه‌های کوچکتر یعنی فضاهای مسکونی

تلخیص: پژوهشگران

در عین حال ویژگی‌های محلات معاصر، متناسب با نیازهای ساکنین را در خود جای داده است. از جمله این اصول عبارتند از: پیوستگی فضایی، وحدت و تنوع فضایی، سلسله مراتب، تأکید بر روابط اجتماعی و اهمیت دادن به مفهوم محله جدول (۱-۳). در واقع علاوه بر بیان ویژگی‌های محله در شهر اسلامی، به مقایسه مفاهیم محله در مکتب اصفهان و جنبش نوشهرگرایی پرداخته و بدین‌گونه به سؤالات تحقیق پاسخ داده شد.

۱۰. منابع

- بemat، نجم‌الدین (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، (مترجم: محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی)، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بنه ولو، لئوناردو (۱۳۶۹)، تاریخ شهر- شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی، (مترجم: پروانه موحد)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۰)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آرمان شهر، چاپ اول.
- ترنر، برایان (۱۳۷۹)، ماکس وبر و اسلام، مترجم: سعید وصالی، تهران: نشر مرکز.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۳)، از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، مترجم: حسین حاتم‌نژاد و عزت‌الله مافی، مشهد: نیکا.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: نشرآبی.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، مترجم: سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مرتضی، هشام (۱۳۸۹)، معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، (مترجم: هانیه اخوت و نینا الماسی فر و محمدرضا بمانیان)، تهران: انتشارات هله/طحان.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۳)، هنر و معنویت اسلامی، (مترجم: ر. قاسمیان)، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷ الف)، شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، اصفهان: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «برخی ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴.
- پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، تهران: فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی.
- شیخی، محمد (۱۳۸۲)، «ساختار محله‌ای شهر در سرزمین‌های اسلامی»، فصلنامه علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- عینی‌فر، علیرضا (۱۳۸۶)، «نقش غالب الگوهای عام اولیه در طراحی محله‌های مسکونی معاصر»، تهران: هنرهای زیبا، شماره ۳۲.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷ ب)، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، تهران: نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴.
- American Planning Association (2000), Policy Guide on Planning for Sustainability, New York, Available from World Wide Web :<http://www.APA.com>
- Barton, Hugh et al (2005), shaping Neighbourhoods: A guide for health, sustainability and vitality. SponPress, London and New York.
- Duanny, A. & Plater-Zyberk, E. (2010), the Neighborhood, The District and the corridor. in peter katz, The New Urbanism: Toward an Architecture of Community, McGrawHill, New York.
- Hikichi, Lynda (2003), New Urbanism and transportation, university of Wisconsin - milwaukee.